

کودکی سوخته

دکتر فاطمه قاسم زاده؛ عضو شبکه

یاری کودکان کار و خیابان: کودکان کار و خیابان را می‌توان از چهار جنبه؛ رشد جسمی، رشد عاطفی، رشد شناختی و رشد ذهنی مورد بررسی قرار داد. از آنجا که سن کار این کودکان به موقع و طبیعی نیست، معمولاً این بچه‌ها از نظر جسمی رشد خوبی ندارند و نسبت به همسالان خود رشد کمتری دارند. در ضمن از بسیاری از بیماری‌ها از جمله مشکلات چشم، گوش و پوست رنج می‌برند. از سوی دیگر اغلب کودکان کار و خیابان به مدرسه نمی‌روند و از آموزش محروم هستند که این امر تاثیر منفی زیادی روی رشد شناختی و ذهنی آن‌ها دارد. یکی دیگر از مشکلات مهم آن‌ها در نتیجه عدم توجه نبود محبت و توجه کافی خانواده‌ها و رفتار و نگرش نه چندان مثبت جامعه نسبت به آن‌ها به وجود می‌آید، کمبودهای عاطفی آن‌هاست. این کودکان اغلب دارای اعتماد به نفس پایین و بی‌اعتمادی نسبت به دیگران هستند و گاه چون محبتی از اجتماع ندیده‌اند خودشان هم محبتی نسبت به اجتماع ندارند. آن‌ها گاه به دلیل زندگی در محیط‌های آسیب‌زا دارای روحیه پرخاشگری و حتی انتقام‌گیری و تخریب هستند. این بچه‌ها از بسیاری از امتیازاتی که سایر کودکان دارند مانند بازی و تفریح و تحصیل محروم هستند. آن‌ها به قول ضرب المثل قدیمی «غوره نشده مویز می‌شوند»، دارای کودکی بریده شده، کوتاه و سوخته هستند. گرفتن فرصت طلایی بچگی کردن از این کودکان باعث ایجاد عقده‌ها و خلاهای روانی در آن‌ها می‌شود و اغلب این بچه‌ها جامعه را مقصر مشکلات و محرومیت‌های خود می‌دانند. تحقیقات نشان می‌دهد کودکی و سپس نوجوانی دوران‌های تعیین‌کننده‌ای در زندگی انسان‌هاست که اگر نتوان نیازها و حقوق متناسب با این دوران‌ها را شناخت و بیشتر مناسب برای آن فراهم کرد، تاثیرات منفی پایداری در دوران بزرگسالی فرد برجای خواهند گذاشت. اغلب زندگی آینده این بچه‌ها تداوم زندگی نابسامان کودکی آن‌ها خواهد بود و این امر روی تربیت و پرورش کودکان آن‌ها هم تاثیر به‌سزایی خواهد داشت. زندگی تلخ کودکی این افراد نه تنها زندگی خودشان و خانواده‌ها آن‌ها در سال‌های بعدی زندگی تحت تاثیر قرار خواهد داد بلکه جامعه را هم بی‌نصيب نخواهد گذاشت. خشم فروخورده آن‌ها ممکن است روزی به‌صورت انتقام و تخریب یا کناره‌گیری و انزوا بروز کند. بنابراین باید هرچه زودتر فکر اساسی برای این کودکان کرد و در کنار تصمیم‌گیری‌های کلان برای فقرزدایی و رفاه عمومی، تسهیلاتی فراهم شود که این بچه‌ها حداقل در کنار کار تحت آموزش‌های مناسب نیز قرار گیرند.

عملکرد بهزیستی

ساماندهی کودکان خیابانی کار ساده‌ای نیست

و یا بدسرپرست هستند نیز اقدام می‌شود. اگرچه درصد زیادی از این کودکان خانواده دارند و بیش از ۲۳ درصد نیز اتباع بیگانه هستند اما بهزیستی کشور در مواردی که کودک به دلیل بی‌سرپرست یا بدسرپرست بودن سرپناهی نداشته باشد، بر اساس احکام صادر شده از دادگاه عمل کرده و کودک را نگهداری می‌کند و مسوولیتی هم در قبال اتباع بیگانه‌ای که فاقد کارت اقامت باشند، ندارد.

۷۰ درصد کودکان خیابانی در هفته اول شناسایی می‌شوند

در حال حاضر بیش از ۷۰ درصد کودکان خیابانی در هفته اول از طریق اورژانس اجتماعی، تیم‌ها و پایگاه‌های سیار و پایگاه‌های خدمات اجتماعی مستقر در پایانه‌ها شناسایی شده و به این واسطه میزان آسیب‌پذیری کودکان نیز کمتر می‌شود. سازمان بهزیستی در سال گذشته ۱۰ هزار و ۴۱۴ کودک خیابانی را در مراکز بهزیستی پذیرش کرده و در شش ماهه اول امسال نیز بیش از چهار هزار نفر کودک خیابانی در مراکز پذیرفته شده‌اند که اکثر این کودکان، در خیابان کار کرده و با خانواده‌های خود رابطه دارند، در عین حال یا ترک تحصیل کرده و یا از تحصیلات سطح پایینی برخوردار هستند، همچنین بنا به اعلام بهزیستی تنها ۳/۵ درصد از کودکان خیابانی سابقه قبلی جرم یا بزه داشته و متأسفانه به اشتباه به این قبیل کودکان انگ مجرم و بزه‌کار زده‌اند که البته بهزیستی این انگ را قبول نداشته و نپذیرفته است. مطابق با آمارهای مربوط به کودکان پذیرش شده از سوی بهزیستی اغلب کودکان کارتن خواب هستند و بر اساس آمار سال قبل، ۷/۵ درصد کودکان جایی برای زندگی نداشته‌اند.

انتظار برای تصویب لایحه «حمایت از کودکان و نوجوانان»

سازمان بهزیستی کشور اعلام می‌کند که در حال حاضر خلاءهای قانونی در این بخش وجود دارد به طوری که بخشی از قوانین اجرایی شده و بخشی نیز اجرا نمی‌شود. این سازمان تمام امیدش به لایحه‌ای تحت عنوان «حمایت از کودکان و نوجوانان» است که در گذشته توسط شورای عالی قضایی تصویب شده است. سازمان بهزیستی معتقد است که اگر این لایحه موارد موافقت دولت قرار گیرد، می‌تواند در صورت تصویب در پنج سال آینده نیز گام موثری در این ارتباط به حساب آید. چرا که در لایحه فوق تمام قوانین گذشته بررسی و ایرادات مربوط به

حاضر مورد اعتراض بهزیستی واقع شده آن است که سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور موظف است اعتبارات مورد نیاز جهت اجرای این آیین‌نامه را تامین و در اختیار وزارت رفاه و تامین اجتماعی قرار دهد. بنا به اعلام بهزیستی کشور اگرچه آیین‌نامه فوق از سال ۸۴ نوشته شده اما از سال ۸۷ در ایران استراتژ خورده و اقدامات مربوطه شش سال قبل از تصویب آیین‌نامه انجام شده است.

اما آنچه که بهزیستی مکرر از آن یاد می‌کند این است که متأسفانه در مسیر اجرای این آیین‌نامه، تمام ۱۳ دستگاه وظایف خود را آنطور که باید و شاید انجام ندادند چرا که در واقع ماده ۱۱ این آیین‌نامه به درستی اجرا نشده است. بهزیستی بر این باور است که ساماندهی کودکان خیابانی کار ساده‌ای نبوده و به راحتی نمی‌توان در این ارتباط اقدام کرد و در عین حال در این سازمان اعتقادی مبنی بر جمع‌آوری فله‌ای کودکان وجود ندارد بلکه مطابق با تعریف آیین‌نامه ساماندهی کودکان خیابانی، سیستم تعریف شده، سیستم جذب و شناسایی است نه جمع‌آوری. بر اساس اعلام دفتر امور آسیب‌دیدگان اجتماعی سازمان بهزیستی در حال حاضر بیش از ۵۱ مرکز توانمندسازی و غربالگری کودکان خیابانی در کشور وجود دارد که پس از غربالگری کودکان اقدامات برای توانمندسازی، نگهداری و یا بازگشت آن‌ها به منزلشان فراهم می‌شود و یا نسبت به آن دسته از کودکان که سرپرستی ندارند

هیات وزیران در سال ۸۴ آیین‌نامه‌ای را تحت عنوان «آیین‌نامه ساماندهی کودکان خیابانی» به تصویب مجلس شورای اسلامی می‌رساند که مطابق با آیین‌نامه ۱۳ دستگاه اعم از نیروی انتظامی وزارت دادگستری، شهرداری وزارت کار و امور اجتماعی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، سازمان بیمه خدمات درمانی، سازمان تامین اجتماعی، سازمان صدا و سیما، جمعیت هلال احمر وزارت آموزش و پرورش، کمیته امداد وزارت رفاه و سازمان بهزیستی کشور موظف شده‌اند تا برای ساماندهی کودکان خیابانی اقداماتی را مطابق با این آیین‌نامه انجام دهند.

مطابق با قانون عمل می‌شود، نه کمتر و نه بیشتر

مطابق با ماده نهم از فصل پنجم این آیین‌نامه سازمان بهزیستی کشور موظف است با مشارکت و همکاری سازمان‌ها و نهادهای ذی‌ربط نسبت به راه‌اندازی مراکز سطوح چهارگانه موضوع آیین‌نامه در کلیه مراکز استان‌هایی که با مشکل کودکان خیابانی مواجه هستند، اقدام کند همچنین بر اساس ماده دهم نیز سازمان بهزیستی کشور مجاز است از محل اعتبارات ساماندهی کودکان خیابانی نسبت به جذب نیروی متخصص مورد نیاز به‌صورت قراردادی با هماهنگی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور اقدام کند. ساده‌یازدهم از فصل پنجم نیز که در حال





انکار ممنوع

آیین‌نامه «ساماندهی کودکان خیابانی» نیز اصلاح می‌شود و تکلیف تمام سازمان‌های موظف در این زمینه هم شفاف شده و چگونگی کار کودکان به درسی تشریح و مورد بازبینی قرار می‌گیرد به طوری که شاید این قانون بتواند برای بسیاری از کشورها الگوی خوبی باشد.

بهبودی در برابر کودکان کار مسوول نیست

موضع سازمان بهزیستی کشور در برابر کودکان کار نیز بسیار شفاف است و در واقع شفاف بودن این مساله در نداشتن مسوولیت این سازمان در قبال کودکان کار است به طوری که مطابق با اعلام این سازمان، اگرچه ماده ۷۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران کار کودکان زیر ۱۵ سال ممنوع اعلام شده و کودکان ۱۵-۱۸ ساله نیز طبق ماده ۸۰ کارگر نوجوان نامیده شده و باید از میزان کار آن‌ها کم کرد، اما مجری این قانون سازمان بهزیستی نبوده و وزارت کار مسوول اصلی است.

طبق ماده ۷۱۲ و ۷۱۳ قانون مجازات اسلامی هر کس فرد صغیر یا غیر رشیدی را به کار تکدی‌گری وادار کند، مجرم محسوب می‌شود که بر اساس این قانون مسوول برخورد با مجرمان این چنینی، که حقوق کودک را ضایع می‌کند، سازمان بهزیستی نیست.

همچنین بر اساس قانون رعایت کودکان که در سال ۸۱ به تصویب مجلس رسیده نیز هرگونه بهره‌کشی و استثمار از کودکان ممنوع بوده و در عین حال مسوول برخورد با متخلفان در این ارتباط سازمان بهزیستی نیست؛ حتی در مقاله‌نامه نیز موضوع کار کودک مطرح شده و کارهای سخت و دشوار برای کودک منع شده بر همین مبنا وزارت کار مسوول پیگیری این بخش از حقوق کودکان است نه سازمان بهزیستی کشور.

بهبودی اگرچه اعلام می‌کند که مدافع حقوق کودک است اما معتقد است که در کارهای سازمانی باید بر مبنای قوانین عمل شود.

بنا به اعلام سازمان فوق برخی از کودکانی که مورد استثمار قرار گرفته و مسوول مفاد قانونی بی‌سرپرستی یا بدسرپرستی می‌شوند بر اساس رای دادگاه عمل شده و حضانت آن به‌طور موقت یا دائم به بهزیستی واگذار می‌شود در عین حال در حال حاضر حتی یک کودک هم وجود ندارد که با معرفی قاضی، از سوی بهزیستی پذیرش نشده باشد.

پانویس

اطلاعات این بخش از گفت‌وگو با حسن موسوی چلک، مدیر کل دفتر امور آسیب‌دیدگان اجتماعی سازمان بهزیستی کشور استخراج شده است. ♦

نورا حسینی، دبیر پرونده: این خیابان‌های شلوغ و پر ازدحام همیشه میزبان دخترانی بوده که تاب تحمل چهار دیواری خانه را ندارند. دخترکانی که به امید رهایی گرفتار خانه‌های پرتی می‌شوند که دیوارهایش سیاه‌تر از دیوارهای خانه است. سالیان دراز است که با طلوع خورشید دختری ساک به دست، پنهانی آخرین نگاه را به خانه می‌کند و برای همیشه از این قاب ثبت شده می‌گریزد و در میان سیل جمعیتی که در خیابان‌ها روان است، حل می‌شود.

مدتها است که وقتی سیاهی آسمان پررنگ شد و خواب‌های اهل خانه عمیق، دختری با آرام‌ترین قدم‌های زندگی‌اش به دل سیاه این شهر پناه می‌برد و مانند نقطه‌ای در این ظلمات گم می‌شود.

هستند ولی گاهی وجودشان انکار می‌شوند و زمانی به پررنگ‌ترین آسیب جامعه تبدیل می‌شوند. اگر نگاهی به اخبار و آمار منتشر شده در خصوص دختران فراری در طول هفت، هشت سال اخیر ببیندیم می‌توان گفت دولت هشتم شفاف‌ترین دولت در ارایه آمار آسیب‌های اجتماعی در تمامی حوزه‌ها بوده است.

تقریباً هر چند ماه آمار جدیدی توسط مسوولان بهزیستی به رسانه‌های اعلام می‌شده و برخلاف دولت‌های گذشته انکاری در میان نبوده است.

بیان همین آمارها بوده است که درد رشد این دختران آشکار و پژوهش و راهکارها برای کاهش این آسیب آغاز می‌شود.

«می‌توان دولت خاتمی را موفق‌ترین دولت در طول تاریخ کشور ایران در امر آسیب‌های اجتماعی دانست زیرا به شفاف‌سازی و جدا کردن مسایل و آسیب‌های اجتماعی از

پنهان‌کاری و سیاسی‌کاری و شکستن تابوها پرداخت و بنابراین آسیب‌ها در دولت خاتمی زیاد نشد بلکه شناخته شد و این موفقیتی بسیار بزرگ است.»

این سخنان را دکتر معتمدی، مدیرکل دفتر آسیب‌دیدگان اجتماعی سازمان بهزیستی در زمان پایان دولت هشتم می‌گوید و در ادامه به ۱۰ برابر شدن بودجه دفتر آسیب‌های اجتماعی سازمان بهزیستی طی سال‌های ۷۹ تا ۸۴ اشاره می‌کند و طرح‌های متعددی که در زمینه کنترل آسیب‌های اجتماعی اجرایی شد از افزایش مراکز آسیب‌های اجتماعی گرفته تا تدوین و ارایه پروتکل پنج ساله آسیب‌های اجتماعی کشور به وزارت رفاه که در آن ضمن توصیف وضعیت موجود آسیب‌های اجتماعی با رشد سالانه ۱۵ درصدی این آسیب‌ها، میزان نیازهای سخت‌افزاری و نرم‌افزاری نیز پیش‌بینی شده بود.

تحقیق آرزوی ۲۰ ساله فعالان حوزه آسیب‌های اجتماعی و ایجاد خط تلفن اورژانس اجتماعی یا ۱۲۳ از طرح‌های شاخص برای کنترل و پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی از جمله دختران فراری بوده است. معتمدی به آمار دختران فراری در سه ساله آخر دولت هشتم نیز اشاره می‌کند و می‌گوید: در نه ماهه اول سال ۸۳، یکهزار و ۸۷۳ دختر فراری جمع‌آوری شده‌اند و شمار دختران فراری از ۷۲۴ مورد در سال ۸۱ به دو هزار و ۹۶۲ مورد در سال ۸۲ افزایش یافت. او کمی بودجه، تربیت نیروی انسانی ناکافی، ناهماهنگی بین بخش‌های مختلف و انواع آسیب‌های اجتماعی را ارمغان دولت‌های گذشته می‌داند که دلیلی بر وجود آمار بالای دختران فراری است. بر اساس پژوهش‌هایی که در این سال‌ها

ارایه شده است، «طلاق» والدین، ازدواج اجباری، مشکلات دوران بلوغ، اختلافات خانوادگی، تبعیت از همسالان، اعتیاد پدر، عاشق شدن‌ها و رویاهای کاذب برای گریز از موقعیت نامناسب از عمده علل فرار دختران شناخته شده است و میانگین سنی دختران فراری نیز بین ۱۶ تا ۲۰ سال بوده که بیشتر آن‌ها نیز از مهاجر و از نظر تحصیلات در سطح راهنمایی یا کمتر بوده‌اند و اغلب برای رسیدن به آزادی و رفاه از خانه گریخته‌اند. خانه‌های ریخته و مراکز سلامت و مرکز بازپروری زنان و دختران آسیب‌دیده میزبان دختران فراری جمع‌آوری شده است.

راه‌چمنی نیز به‌عنوان کارنامه بهزیستی در خصوص فعالیت‌های این سازمان برای دختران فراری گفته بود: تعداد پذیرش دختران فراری و ساماندهی آن‌ها در خانه‌های سلامت در سال ۷۶، ۲۱ نفر و در سال ۸۳، دوهزار و ۳۹۷ نفر بوده است.

او ادامه داده بود: در سال‌های قبل از ۷۶ خانه‌های سلامت دختران فراری وجود نداشت که در سال ۸۳، ۳۲ مرکز مخصوص پذیرش و ساماندهی دختران فراری راه‌اندازی شده است. همچنین مراکز بازپروری اجتماعی زنان آسیب‌دیده از ۱۱ مرکز در سال‌های ۷۶ به ۲۲ مرکز در سال ۸۳ افزایش یافته بود. ***

بی‌هدف قدم می‌زند و به دنبال مقصدی است که صدای کشیده شدن ترمز ماشین، روی آسفالت خیابان و راننده خندان خط پایان را نشان می‌دهد، مانند بیشتر دخترکانی که به خاطر وعده جای خواب راحت و کار، خانه‌های دسته جمعی را به پارک ترجیح می‌دهند، سوار می‌شود و ماشین دوباره بر سر و صدا راه می‌افتد.